

# و در سکوت هر درخت، واژه‌های است

نگار نوبهار

عنوان کتاب: پرنده گفت شاعرم  
شاعر: افسانه شعبان نژاد  
تصویرگر: پرستو احدی  
ناشر: کانون پرورش فکری کودکان  
و نوجوانان  
نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۶  
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه  
تعداد صفحات: ۶۳ صفحه  
بها: ۱۵۵۰ تومان



«پرنده گفت: شاعرم»، عنوان مجموعه شعر تازه‌ای است از افسانه شعبان نژاد، برای نوجوانان گروه سنی «د» و «ه».

این کتاب به لحاظ شکل ارائه و قالب و... تفاوت‌هایی با کتاب‌های گذشته این شاعر دارد.

تاکنون قالب چارپاره، قالب شناخته شده و آزموده شاعران بوده و سال‌های سال به عنوان مناسب‌ترین قالب برای نوجوانان مطرح بوده است. در میان شاعران کودک و نوجوان، بوده‌اند شاعرانی که گاه دست به تجربه و آزمون سایر قالب‌ها برای این طیف از مخاطبان زده‌اند. افسانه شعبان نژاد یکی از این شاعران است که تا به حال نمونه‌های خوبی در قالب نیمایی و آزاد هم از او خوانده‌ایم. «پرنده گفت

شاعرم»، از حدود ۲۰ قطعه شعر نیمایی کوتاه تشکیل شده که در نگاه اول مستقل به نظر می‌رسند؛ چرا که هر شعر عنوانی جداگانه دارد، اما رشته‌های نامرئی همه این شعرها را به هم پیوند داده و یک شعر مرتبط دنباله‌دار ساخته است. شاید بتوان در رده‌بندی گونه‌ها و جریان‌های شعر معاصر، سروده‌های این کتاب را جزو شعرهای مسلسل، تریلوژی یا چندگانه به حساب آورد. دکتر علی تسلیمی، در کتاب گزاره‌هایی در ادبیات معاصر می‌نویسد:

«یکی از شگردهای فرعی شعر امروز، شعرهای چندشماره‌ای، دوگانه، سه‌گانه (تریلوژی) و چندگانه است. گرچه هر شماره از این اشعار مستقل‌اند، شاعر تلاش می‌کند بین آن‌ها ارتباطی در آهنگ، تن، زبان و معنا ایجاد کند و مانند داستان‌ها و فیلم‌های چند اپیزودی، یک نقطه مشترک و حلقه ارتباطی بجوید.»

در این کتاب که بر اساس شیوه گفت‌وگو پیش می‌رود، شاعر به عنوان راوی، در ابتدا و انتهای کتاب حضور دارد و سپس شعرها بر اساس گفت‌وگوهای دو عنصر و شخصیت اصلی (پرنده و درخت) که در تمام شعرها حضوری ثابت دارند، ادامه می‌یابد:

درخت ایستاده بود / پرنده‌ای رسید / و باز شد کلاف گفت‌وگو / و شاعری که حرف‌های آن دو را شنید / نشست و شعر یافت...

(ص ۱۱)

«گفت‌وگو» در شعر، از آرایه‌های ادبی به شمار می‌رود. در ادبیات کهن، در مناظره‌ها و داستان‌های منظوم، گفت‌وگو نقش مهمی و اساسی دارد. در این کتاب نیز دو شخصیت «پرنده و درخت» با یکدیگر درباره مسائل مختلف حرف می‌زنند. درخت می‌تواند نماد زمین و وابستگی و تعلق به خاک باشد و پرنده سمبل آسمان و هر آن‌چه آسمانی و آن جهانی است. در گفت‌وگوهای این دو، مفاهیم عمیق و بزرگی چون مرگ، زندگی، عشق، طبیعت، انتظار و... مطرح می‌شوند. این گفت‌وگو که بر اساس شیوه سؤال و جواب پیش می‌رود، گاه زبانی ساده و روان دارد:

پرنده گفت: شاعرم / درخت را سرود / درخت گفت: زنده‌ام / و راز زنده بودنش / پرنده بود

(شعر سروده، ص ۱۶)

پرنده گفت: آرزو / درخت گفت: بی‌کزان و هر دو چشم‌انتظار یک نگاه مهربان

(شعر چشم‌انتظار، ص ۲۰)

و گاه با زبانی دشوار و تصاویری پیچیده:

پرنده گفت: عشق / درخت گفت: پل / پرنده بر پُل معلقی / که روی رودخانه بود خیره شد

(شعر پُل، ص ۱۸)

به نظر می‌رسد در شعر فوق، شاعر به گونه‌ای مبهم، با تشبیه ضمنی عشق به پُل معلق روی رودخانه، قصد دارد از دید خود به ناپایداری عشق و زودگذر بودن آن اشاره کند، اما تصویر ارائه شده برای مخاطب، مبهم و پیچیده است.

در برخی موارد، انگار شاعر گروه سنی مخاطب را فراموش کرده است. او با ایجاد ارتباط‌هایی چندگانه میان کلمات و ارائه تلمیحات و اشاره‌های شاعرانه، تصاویری خلق می‌کند که برای مخاطب گروه سنی «د» و حتی «ه»، قابل درک و فهم نیست:

پرنده گفت: مرگ / درخت گفت: راز / و تار عنکبوت راز مرگ را / برای کفشدوزکی / چه ساده فاش کرده بود!

(شعر راز، ص ۴۴)

پرنده گفت: گرگ / درخت گفت: میش / و در هوای گرگ و میش تمام گرگ‌های دشت / گوش‌شان به زنگ

(شعر گرگ و میش، ص ۳۸)

ارتباط‌های چندگانه و ایهام شاعرانه، در کلمات «گرگ و میش و زنگ» در این شعر قابل تأمل است.

گاهی شاعر مسایلی را مطرح می‌کند که اصولاً دغدغه‌هایی بزرگسالانه‌اند و سنخیتی با دنیای نوجوان ندارند:

پرنده گفت: رود / درخت گفت جاری و روان / و در همان حدود عده‌ای / برای افتتاح سد کف زدند

(شعر افتتاح، ص ۳۳)

در شعر فوق که مصراع آخر آن از نظر وزنی نیز دچار مشکل است، شاعر قصد دارد به بیان دشمنی انسان و طبیعت بپردازد و انتقاد خود را نسبت به تخریب طبیعت به دست انسان و برهم‌زدن نظم طبیعی جهان با تکنولوژی امروز بیان کند. این دغدغه، کاملاً بزرگسالانه است و با دنیای ذهنی و فکری نوجوان فاصله زیادی دارد. به علاوه، شاعر آن قدر تصویر را موجز کرده که حتی در صورت مناسب بودن و ارتباط آن با دنیای نوجوان، باز هم مخاطب در دریافت اندیشه و مقصود شاعر، دچار مشکل خواهد شد.

جای پای اندیشه منفی و بدبینانه شاعر نیز در برخی سروده‌ها به وضوح پیداست. شاعر گاهی برداشت‌ها و تجربه‌های شخصی خود را (که اغلب منفی و بدبینانه است) نسبت به برخی مفاهیم و موضوع‌ها بیان می‌کند.

پرنده گفت: شب / درخت گفت: خواب / و چشم‌های باز جغد شب / برای موش‌های بی‌خیال نقشه‌ای کشید

(شعر شب، ص ۴۰)

پرنده گفت: عمر / درخت گفت: برق و باد / و قارقار یک کلاغ دیرسال / رشته کلام آن دو را گسست!

(شعر کلاغ دیرسال، ص ۴۲)

در سطور پیشین گفتیم که سروده‌های کتاب «پرنده گفت شاعرم»، گرچه هر یک مستقل به نظر می‌رسند، نخی نامرئی همه آن‌ها را به هم پیوند داده. از آن‌جا که شعرها بر اساس گفت‌وگویی دو شخصیت پرنده و درخت،

استوار شده و وزن عروضی تمام شعرها هم یکسان است، می‌توان تصور کرد که از ابتدا تا انتهای کتاب

با یک شعر دنباله‌دار مواجه هستیم. از سوی دیگر، تکرار جمله «پرنده گفت- درخت گفت»، باعث

ایجاد یکنواختی در کتاب شده و چون مخاطب در هر شعر با مفهوم و موضوع جدیدی روبه‌رو

می‌شود که باید دربارش تأمل کند، به نظر می‌رسد خواندن این کتاب، مخاطب نوجوان را دچار

ملال و خستگی کند. خواندن اندیشه‌هایی بزرگسالانه، آن هم با زبانی یکنواخت و شروع و

پایانی یکسان و تکراری، از حوصله او خارج است و شاید حتی به نیمه‌های کتاب نرسیده،

آن را کنار بگذارد!

در پایان، خوب است به قطع کتاب، نوع خط انتخاب شده (نستعلیق) و

تصویرگری کتاب نیز اشاره کنیم که متفاوت است.

تصویرهای کتاب سیاه و سفید هستند و تلاش شده با شعرها ارتباط نزدیک

داشته و تخیل مخاطب را برانگیزند. به ویژه سیاه و سفید بودن تصاویر، که می‌تواند

بیانگر تضادها باشد، در خدمت انتقال مفاهیمی چون مرگ و زندگی، عشق و نفرت، دوستی و

دشمنی و... یعنی درون‌مایه اصلی شعرها، قرار گرفته است.

پی‌نوشت:

۱ - گزاره‌هایی در ادبیات معاصر ایران. تسلیمی، علمی، نشر اختران، چاپ اول، تهران ۱۳۸۳.

خواندن اندیشه‌هایی

بزرگسالانه،

آن هم با زبانی

یکنواخت و

شروع و پایانی

یکسان و تکراری،

از حوصله مخاطب

خارج است و

شاید حتی

به نیمه‌های کتاب

نرسیده،

آن را

کنار

بگذارد!

